

## رویکرد ابوالفضل شیبانی به حدیث

محمدتقی ذاکری<sup>۱</sup>

نعمت‌الله صفری فروشانی<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲، پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۵، صفحه ۱۵۷ تا ۱۸۰ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

ابوالفضل شیبانی (د ۳۸۷ق) محدثی امامی مذهب است که روایات پرشماری از او در منابع مختلف باقی مانده، اما شیوه وی در تحمل حدیث تا کنون کم‌تر کاویده شده است. با همه تلاش‌ها که ابوالفضل برای دریافت و انتقال میراث حدیثی داشته است محدثان و تراجم‌نگاران متقدم شیعه و عامه مسلمانان او را به گونه‌های مختلفی از جعل و سرقت در حدیث متهم کرده‌اند. می‌دانیم او در انتقال میراث حدیثی امامیه و زیدیه تلاش‌های بسیاری نموده، و بسیاری از آثار و روایات مهم شیعی به وساطت وی نقل شده است. اهمیت میراث وی حتی سبب شده است محدثان عامه مسلمانان هم از روایات وی چشم‌پوشی نمایند. براین پایه، بررسی رویکرد ابوالفضل شیبانی به نقل روایات ضروری است. این مطالعه با همین هدف صورت می‌پذیرد. می‌خواهیم با مطالعه شواهدی از روایات ابوالفضل دریابیم آیا برپایه روایات خود ابوالفضل می‌توان درباره اتهامی که محدثان متوجه وی کرده‌اند قضاوتی داشت یا نه. نیز، می‌خواهیم بدانیم تصرفات احتمالی وی در روایات از چه نوع و تا چه میزان، و سبب این تصرفات احتمالی چه بوده است؛ آیا احیاناً وی از جریان‌های فکری غلات که در زمان حیات وی فعال بوده‌اند متأثر بود یا تحت تأثیر عوامل دیگر چنین می‌کرد. فرضیه این مطالعه آن است که ابوالفضل با آگاهی از دخل و تصرفات جریان‌های رقیب امامیه در نقل احادیث گاه به مقابله‌به‌مثل با آن‌ها پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** ابوالفضل شیبانی، خطبه غدیری، ابن رستم طبری، محمد بن جریر طبری، تشیع عباسی.

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.  
taghi.zakeri@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.  
nsafari8@gmail.com

## درآمد

ابوالمفضل محمد بن عبدالله شیبانی (۲۹۷-۳۸۷ق) محدث پرکار امامی مذهب ساکن بغداد است که روایات پرشماری از او در منابع روایی امامیه، زیدیه و عامه مسلمانان باقی مانده است. او در کوفه متولد شد؛ اما در بغداد سکونت گزید. از خود وی نقل شده است که در سال ۳۰۶ق یعنی زمانی که کمتر از ۱۰ سال داشت به فراگیری حدیث مشغول شد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۵۴/۱۷). با این وصف، به نظر می‌رسد از سنت حدیثی کوفیان به دور نبوده، و تأثیرات بسیاری از محدثان کوفه گرفته باشد؛ هم‌چنان که سفرهای متعدد او به دورترین مناطق سرزمین‌های اسلامی داشته‌های حدیثی او را بسیار گسترده و متنوع ساخت (نکا: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۹۶؛ نیز نکا: پاکتچی، ۱۳۷۳ش، ۲۸۷).

سفرهای علمی ابوالمفضل شیبانی حتی در مقایسه با محدثان عامه مسلمانان هم چشم‌گیر است (نکا: Ansari, 2017, 80-85). ابوالمفضل با محدثان صاحب‌نام عامه مسلمانان در این دوره در ارتباط بود و از آن‌ها روایت شنید؛ شخصیت‌هایی نظیر محمد بن محمد باغندی (د ۳۱۲ق) محدث ساکن بغداد و صاحب آثاری چون *مسند عمر بن عبدالعزیز*، ابن ابی‌داوود (د ۳۱۶ق) صاحب کتاب‌های *السنن*، *الناسخ و المنسوخ* و آثار دیگر، یا بغوی (د ۳۱۷ق) گردآورنده *مسند علی بن جعد* (برای مشایخ وی، نکا: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۳/۸۶). در میان مشایخ شیعی او نیز محدثان سرشناسی مانند محمد بن یعقوب کلینی (د ۳۲۹ق) و محمد بن همام اسکافی (درگذشته در حدود ۳۳۲ق) — محدثان برجسته امامی — و ابن عقده (د ۳۳۳ق) — عالم کوفی جارودی مذهب — قرار دارند (نکا: ابوالمفضل شیبانی، ۱۴۱۴ق، ۳۱۴، ۴۴۹؛ مؤلف ناشناخته، ۱۴۱۳ق، ۵۲۴). بر همین اساس گفته می‌شود او پل ارتباطی میان حدیث‌گرایان شیعه و عامه مسلمانان بوده است (Ansari, 2017, 80-85).

## طرح مسئله

محتوای روایات ابوالمفضل شیبانی به مسائل مربوط به امامت پیوند خورده است. بسیاری از مقولات وی روایات تاریخی اند. میراث ابوالمفضل اهتمام بسیار او به مباحث مربوط به تاریخ

اهل بیت (ع) با اهدافی مانند تبیین باورهای اعتقادی امامیه در مسئله امامت و دفاع از آن در برابر جریان‌های مختلف را آشکار می‌کند؛ هم‌چنان که عناوین کتاب‌های او مانند *الولادات الطیبه* و *من روی حدیث غدیر خم* به‌وضوح بر این دلالت دارند. حتی به نظر می‌رسد آثاری مانند *فضائل زید*، *من روی عن زید بن علی بن الحسین* و *فضائل عباس بن عبدالمطلب* (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۹۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۱) نیز کوشش‌هایی برای دفاع از باورهای اعتقادی امامیه در برابر جریان‌های رقیب در عصر حیات ابوالفضل باشند.

افزون بر این، روایات فراوان ابوالفضل در منابع امامیه، زیدیه و عامه مسلمانان می‌تواند نشان از توانایی‌ها و تلاش‌های گسترده وی در انتقال میراث روایی داشته باشد. گستردگی بازتاب روایات وی در منابع، اهتمام ویژه ابوالفضل به مسائل مربوط به امامت، و وفاداری وی به باورهای اعتقادی امامیه را می‌توانیم نقش مهم او در انتقال میراث روایی شیعه بدانیم.

باین‌حال، تراجم‌نگاران و محدثان بسیاری نیز او را در انتقال میراث حدیثی به عناوین مختلفی مانند کذب، جعل و سرقت حدیث یا گاهی به جعل سند برای روایات متهم کرده‌اند (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۹۶؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴ش، ۹۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۳/ ۸۷). هرگاه چنین اتهاماتی صحیح باشند، باید از یک طرف ابوالفضل را محدثی بشناسیم که با سفرهای متعدد برای کسب و دریافت روایت کوشش موفقی در انتقال میراث حدیثی انجام داده، و میراث گسترده‌ای از روایات را خاصه در موضوع امامت منتقل کرده است؛ هم‌چنان‌که باید از دیگر سو، وی را محدثی بیابیم که گاه به جعل و کذب و مانند آن روی آورده، و در میراث حدیثی تصرفاتی نموده است.

این رویکرد دوگانه شایان تأمل و بازاندیشی است. جا دارد پرسیده شود که آیا می‌توان با مطالعه روایات ابوالفضل شاهی بر تصرف وی در نقل روایتی جست یا نه. به همین ترتیب، باید پرسید اگر به‌راستی ابوالفضل چنین شیوه‌ای داشته، کدام دسته از روایات وی و هریک تا چه حدی در معرض این تصرفات بوده‌اند. نیز، باید پرسید وی چنین تصرفاتی را با چه انگیزه‌هایی دنبال می‌کرده است. مطالعه پیش‌رو کوششی برای پاسخ گفتن به همین پرسش‌هاست.

## ۱. جایگاه ابوالفضل در نقل حدیث

ابوالفضل شیبانی در نقل روایات شیعی جایگاه مهمی دارد. این جایگاه را می‌توان در بازتاب

گسترده روایات او در منابع روایی، اهتمام ویژه او به مسائل مربوط به امامت امامان دوازده‌گانه، وفاداری او به باورهای اعتقادی امامیه بازشناخت.

### الف) گستره روایات ابوالفضل در منابع شیعی

بخشی از مهم‌ترین میراث‌های حدیث شیعه مانند *الکافی* کلینی (د ۳۲۹ق) را ابوالفضل نقل کرده (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۳۹۵). افزون بر این، وی در نقل بخشی از میراث حدیثی شیعه متفرد است و اگر تلاش‌های او نبود شاید این میراث هرگز به آیندگان انتقال نمی‌یافت. از نمونه‌های برجسته این تلاش وی می‌توان *صحیفه سجادیه* را یاد کرد (نک: مهروش، ۱۳۸۲ش، ۲-۷؛ غلام‌علی، ۱۳۹۲ش، ۳۱-۵۶).

جدول ۱- روایات ابوالفضل در منابع شیعیان امامی

ردیف	نام اثر	مؤلف	توضیحات	نمونه‌ها
۱	<i>الرسالة الموضحة</i>	مظفر بن جعفر بن حسن / حسین	راوی ابوالفضل	مظفر بن جعفر، ۱۴۳۲ق، ۲۸، ۴۷، ۷۹، ۸۲، جاهای مختلف
۲	<i>كفاية الاثر</i>	خزاز قمی	عالم شیعی در گذشته در نیمه دوم سده ۴ق	خزاز، ۱۴۰۱ق، ۲۳، ۶۸، ۷۹، جاهای مختلف
۳	<i>دلائل الامامة</i>	منسوب به طبری یا ابن رستم طبری	برای انتساب، نک صفری، ۱۳۸۴ش - ب، ۲۲۳-۲۴۰	مؤلف ناشناخته، ۱۴۱۳ق، ۷۵، ۷۶، ۷۹
۴	<i>کنز الفوائد</i>	محمد بن علی کراجکی	د ۴۴۹ق	کراجکی، ۱۴۱۰ق، ۸۷/۱
۵	<i>الرسالة العلوية</i>			همو، ۱۴۲۷ق، ۱۲
۶	<i>مائه منقبة</i>	محمد بن احمد بن شاذان	د ۴۶۰ق	ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ۲۴، ۴۹، ۵۳، جاهای مختلف
۷	<i>بشارة المصطفى</i>	عمادالدین طبری	د ۵۵۳ق	عمادالدین طبری، ۱۳۸۳ق، ۶۶، ۷۷، ۱۴۱
۸	<i>الاربعون حدیثا</i>	منتجب‌الدین رازی	د ۵۸۵ق	منتجب‌الدین رازی، ۱۴۰۸ق، ۴۵
۹	<i>مناقب آل ابی طالب</i>	ابن شهر آشوب	د ۵۸۸ق	ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۲، ۵۷، ۶۴، ۲۵۵، جاهای مختلف
۱۰	<i>الاحتجاج</i>	احمد بن علی طبرسی	زیسته در نیمه سده ۴ق	طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱۳/۱
۱۱	<i>اليقين</i>	ابن طاووس	د ۶۶۴ق	ابن طاووس، ۱۴۱۳ق - ب، ۲۷۲
۱۲	<i>التحصين</i>			همو، ۱۴۱۳ق - الف، ۵۷۸
۱۳	<i>الاقبال</i>			همو، ۱۳۷۶ق، ۲/۳۱۰
۱۴	<i>الاربعين</i>	شهید اول محمد بن مکی عاملی	مقتول در ۷۸۶ق	شهید اول، ۱۴۰۷ق، ۵۱

افزون بر این‌ها، روایات ابوالفضل جایگاه مهمی در میراث حدیثی امامیه دارد. بسیاری از محدثان شیعه روایات متعددی از او را در آثار خود جای داده‌اند. شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) بیش از ۲۰۰ صفحه از کتاب *امالی* خود را به نقل روایات کتاب *امالی* ابوالفضل شیبانی اختصاص داده است (نک: شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۴۴۵-۴۴۳)؛ کتابی که مضمون آن روایات تاریخ اسلام و رویدادهای زندگی اهل بیت (ع) است. شمار قابل توجهی از منقولات ابوالفضل را در آثار متأخرتر نیز می‌توان سراغ گرفت (نک: جدول ۱).

ابوالفضل در انتقال میراث زیدیه نیز نقشی مهم ایفا کرده است. در منابع آن‌ها گاه ابوالفضل

را هم چون راوی کتاب و میراث روایی می‌توان دید. مهم‌ترین میراث حدیثی زیدیه یعنی کتاب *مسند زید* — که گاه با عنوان *المجموع الحدیثی و الفقهی* نیز شناخته می‌شود و نخستین کتاب حدیثی در ابواب مختلف فقهی نیز به‌شمار می‌آید (نک: موسوی نژاد، ۱۳۸۱ ش، ۱۶۰) — ظاهراً تنها از طریق ابوالفضل شیبانی روایت شده است. انتقال این اثر به وساطت ابوالفضل سبب شده است عالمان مختلف زیدی در نقل روایت از *مسند زید* فراوان از ابوالفضل نام ببرند (برای نمونه، نک: ابن حمزه، ۱۴۲۹ ق، ۱/ ۱۶۹-۱۷۰؛ قاسمی، ۱۳۷۵ ق، ۲/ ۴۳۷؛ سیاهی، بی‌تا، ۱۸-۱۹).

افزون بر این‌ها، روایات پراکنده دیگری هم در منابع حدیثی زیدیه از ابوالفضل نقل شده است. برای نمونه، در کتاب *الفوائد المنتقاة* که مجموعه‌ای از روایات ابو عبدالله محمد بن علی شجری علوی (د ۴۴۵ ق) به‌گزینش شاگردش یعنی ابوعلی محمد بن علی صوری (۳۷۶-۴۴۱ ق) است، چندین روایت از ابوالفضل شیبانی دیده می‌شود (نک: صوری، ۱۴۰۷ ق، ۴۳، ۵۰، ۵۵، جاهای مختلف). به همین ترتیب، در کتاب‌های *الامالی الاثنینیه* و *الامالی الخمیسیه* مرشد بالله یحیی بن حسین شجری (د ۴۷۹ ق) نیز روایات متعددی از ابوالفضل ثبت گردیده است (برای نمونه، نک: شجری، ۱۴۲۹ ق، ۹۸، ۲۸۸؛ همو، ۱۴۰۳ ق، ۱/ ۱۲، ۲۱).

### ب) رویکرد عامه مسلمانان به روایات ابوالفضل

کثرت یادکردها از ابوالفضل در کتب تراجم، خواه ضمن ترجمه احوال خود او یا در سخن از رویان فراوانی که از وی حدیث شنیده‌اند، جایگاه مهم ابوالفضل را در طُرُق روایی عامه مسلمانان نشان می‌دهد (برای نمونه، نک: دارقطنی، ۱۴۰۴ ق، ۲۷۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ۳/ ۸۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ۵۴/ ۱۴-۱۸؛ ذهبی، ۱۴۱۸ ق، ۲/ ۳۳۳؛ همو، ۱۳۸۲ ق، ۳/ ۶۰۷). با این حال، در منابع روایی عامه مسلمانان روایات ابوالفضل بازتاب گسترده‌ای نیافته است و مواردی معدود را دربر می‌گیرد.

برای نمونه از اندک توجهات محدثان عامه به روایات ابوالفضل می‌توان قاضی قضاعی (د ۴۵۴ ق) فقیه شافعی را مثال آورد. وی در کتاب *مسند الشهاب* خود که ۱۰۰۰۰ روایت از احادیث حکمت‌آمیز پیامبر اکرم (ص) در وصایا، آداب و موعظه‌ها را جمع‌آوری کرده، روایتی از ابوالفضل را نقل آورده است (قاضی قضاعی، ۱۴۰۵ ق، ۱/ ۲۳۶). از همین قبیل است روایات اندک بیهقی (د ۴۵۸ ق)، حسکانی (زنده در سده ۵ ق)، و خوارزمی (د ۵۶۸ ق) از وی (نک: بیهقی،

۱۴۱۰ق، ۲/ ۲۲۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱/ ۱۸۱، ۴۳؛ خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ۶۶).

اهمیت روایات ابوالفضل سبب شده است گاه برخی از محدثان عامه مسلمانان در روایت از ابوالفضل به شیوه‌هایی برای پنهان داشتن اخذ از وی متوسل شوند. مثلاً، محدثی با عباس بن عمر کلوذانی از فردی ناشناخته به نام محمد بن عبدالله بن محمد کلوذانی روایت می‌کند. خطیب بغدادی (د ۴۶۳ق) تأکید می‌کند که شخصیت محمد بن عبدالله کلوذانی مجهول است. با این حال، محتمل می‌داند مراد ابوالفضل شیبانی باشد. او می‌افزاید عباس بن عمر احتمالاً متعمدانه شیبانی را به کلوذانی تغییر داده است تا نام شیبانی را پوشیده دارد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۳/ ۸۰ ضبط خطا: ابوالفضل).

ظاهراً چنین تعاملی با روایات ابوالفضل مختص عباس بن عمر کلوذانی نبوده، و نمونه‌های دیگر نیز داشته است. خطیب بغدادی که در کتاب *موضح اوهام الجمع و التفریق* می‌کوشد روایانی را که با نام‌ها یا توصیفات گوناگون یاد شده‌اند بشناساند، هنگام سخن از ابوالفضل شیبانی می‌گوید «ابوالفضل عبدالله بن عبدالخالق» عنوان دیگری برای او بوده است (خطیب بغدادی، ۱۴۰۷ق، ۲/ ۴۵۴). شاید نام‌بری از ابوالفضل با یک‌چنین عنوان مستعاری نتیجه کوشش محدثان عامه مسلمانان برای بهره‌جویی از روایات ابوالفضل بدون یادکرد نام مشهور وی باشد. خطیب بغدادی خود نیز با همه اتهاماتی که به ابوالفضل وارد می‌داند، نتوانسته است میراث روایی او را نادیده بگیرد. وی گاه برای روایت از ابوالفضل به این که فلان روایت از او در حضور دارقطنی (د ۳۸۵ق) دریافت شده، استناد نموده، و بدین‌سان روایتی را که ابوالفضل در نقل آن متفرد بوده، با تکیه بر تأیید دارقطنی شایسته نقل شناسانده است (نک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۳/ ۴۲۸).

### پ) وفاداری ابوالفضل به مکتب امامیه

درباره مذهب ابوالفضل دیدگاه‌های دیگری غیر از امامی مذهب بودن وی نیز وجود دارد. برخی احتمال زیدی بودن او را مطرح کرده‌اند (نک: پاکتچی، ۱۳۷۳ش، ۲۷۸؛ انصاری، ۱۳۸۱ش، ۱۱۷). با پذیرش این اصل که روایات ابوالفضل می‌توانند گرایش مذهبی او را باز بتابانند، می‌توان گرایش وی به مذهب امامیه را پذیرفت.

ابوالفضل در روایاتش تبیین امامت امامان دوازده‌گانه را مورد توجه خاص قرار داده است.

افزون بر این که وی اخباری درباره دوازده گانگی امامان شیعه نقل کرده (نک: خزاز، ۱۴۰۱ق، ۲۳، ۶۸، ۷۹، ۹۰، ۹۶، ۱۳۲، ۱۸۷، جاهای مختلف)، سخنانی از هر یک از امامان دوازده گانه نیز در تبیین جایگاه امامت، پاسخ به اشکالات مخالفان درباره امامت هر یک از امامان، و رد و انکار ایشان بر جریان‌های مخالف نیز روایت نموده است (نک: ذاکری، ۱۳۹۸ش، ۷۲-۹۴).

ابوالفضل شیبانی به اندیشه‌های مختلف غالیان که در زمان زندگانی وی رواج گسترده داشت (نک: حاجی زاده و دیگران، ۱۳۹۲ش، سراسر اثر) نگرانگید. وی در دوره‌ای می‌زیست که حسین بن حمدان خصیبی (د ۳۳۴ق) فرقه نصیریه را در بغداد پی می‌ریخت (نک: رحمتی، ۱۳۸۴ش، ۱۷۴-۲۰۷)؛ فرقه‌ای که پیروانش معتقد بودند هر یک از امامان، اصحابی نزدیک به خود داشته‌اند که باب ایشان محسوب می‌گردیده، و خود شخصیت‌های ممتازی بوده، و کرامت‌ها و جایگاه و دانش‌های ویژه‌ای داشته‌اند (نک: صفری، ۱۳۹۶ش، ۷-۴۸).

گرچه شاهدی حاکی از ارتباط علمی ابوالفضل با خصیبی، یا این که یکی از دیگری حدیث شنیده باشد وجود ندارد، محتمل‌تر آن است که در محافلی مشترک حضور یافته، و حدیث شنیده باشند. در منابع نصیریه نیز روایتی از ابوالفضل یافت نمی‌شود. باین حال، می‌دانیم ابوالفضل با برخی از شخصیت‌های مورد توجه نصیریه در ارتباط بوده، و روایاتی از آن‌ها نقل کرده است.

از میان این شخصیت‌ها و البته مهم‌تر از همه می‌توان جعفر بن محمد بن مالک فزاری (درگذشته حدود ۳۰۰ق) و محمد بن اسماعیل حسنی از مشایخ فزاری را یاد کرد (برای روایات این دو در منابع شیعی، نک: شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۴۲۳، ۴۹۷؛ مؤلف ناشناخته، ۱۴۱۳ق، ۳۱۳، ۳۸۴، ۴۰۲؛ نیز، برای نمونه از روایات ایشان در منابع نصیریه، نک: خصیبی، ۲۰۰۷م، ۱۹/۷، ۲۲۵، ۲۳۴، ۲۷۶). این دو، خاصه فزاری، در تثبیت مقام باییت و اعتباربخشی به باب‌های نصیریان فعالیت مؤثری داشتند. افزون بر این، بخش قابل توجهی از باورهای نصیریه درباره جایگاه باب‌های اهل بیت (ع) بر روایات ایشان استوار شده است (برای نمونه، نک: خصیبی، ۲۰۰۷م، ۱۹/۷، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۶، جاهای مختلف).

روایات ابوالفضل به کلی از ادبیات نصیریه دور است. بحث درباره مقام باییت جایی در آثار ابوالفضل ندارد؛ هم‌چنان که بحث درباره برخورداری امامان از علم منایا و بلایا و فصل الخطاب، یا منتسب کردن معجزات و کرامات گسترده به ائمه (ع) که در روایات نصیریه دیده می‌شود (نک:

خصیبه، ۲۰۰۷م، ۷/ ۳۴۰ به بعد؛ نیز، نک: صفری، ۱۳۸۴ش - الف، ۳۲-۴۶). نیز، در روایات ابوالفضل هرگز شخصیت دیگری غیر از ائمه برخوردار از ویژگی‌های خاص و فرازمینی شناسانده نمی‌شود.

با این حال، به نظر می‌رسد نصیریان بی‌تمایل به ابوالفضل شیبانی نبوده‌اند. در یک مورد شعری متناسب با باورهای غالبانه خود را با اسناد به ابوالفضل شیبانی روایت کرده‌اند (طبرانی، بی‌تا، ۳۴۶/۱۱). البته، به نظر نمی‌رسد ابوالفضل نقشی در نقل آن داشته باشد؛ چنان‌که هیچ نزدیکی میان محتوای شعر و روایات و اشعار ابوالفضل نمی‌توان یافت (نک: ذاکری، ۱۳۹۸ش، ۱۵۲-۱۵۳). می‌توان گفت نصیری که سابقه نسبت دادن روایات غالبانه خود به راویان و محدثان متعددی از شخصیت‌های برجسته امامیه را داشته‌اند، نقل این ابیات را نیز به ابوالفضل منتسب کرده‌اند (برای کوشش مشابه نصیریان در انتساب روایاتی به ابن بابویه، نک: ابوصالح دیلمی، ۸/ ۱۸۹).

#### ت) شهرت ابوالفضل به وضع حدیث

ابوالفضل شیبانی توسط مشایخ روایی هم‌عصر خویش و حتی شاگردان روایی خود اعم از شیعیان و غیر شیعیان به وضع حدیث، جعل سند، کذب و مانند آن‌ها متهم شده است. خطیب بغدادی (د ۴۶۳ق) می‌گوید ابوالفضل در محافل عامه مسلمانان در بغداد روایاتی غریب و منکر برمی‌خواند. با این حال، محدثان بغدادی روایاتش را با گزینش دارقطنی محدث شافعی (د ۳۸۵ق) برمی‌گرفتند؛ تا این که در مجلسی بر دارقطنی محرز شد ابوالفضل مدعی دروغین سماع روایتی است. این گونه، وی را از جمع خود بیرون راندند و از آن پس تنها برای شیعیان روایت کرد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۳/ ۸۷).

عالمان شیعی معاصر ابوالفضل نیز، درباره وی نظر مساعدی نداشته‌اند. نجاشی (د ۴۵۰ق) که خود از حاضران در مجالس ابوالفضل بوده است می‌گوید غالب شیوخ امامی او را تضعیف می‌کردند. نجاشی می‌گوید ابوالفضل نخست معتمد بود؛ اما در آخر دچار تخیل شد. نجاشی می‌افزاید به همین سبب خود هم از روایت مستقیم از ابوالفضل پرهیز می‌کند و بهتر می‌داند روایاتی را ابوالفضل در نقل‌شان متفرد است، و انهد (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۹۶). دیگر عالم شیعی همان دوره، ابن غضائری نیز ابوالفضل را با تعبیر «وَصَّاحٌ كَثِيرُ الْمَنَاقِبِ» فرومی‌کاهد (ابن



غضائری، ۱۳۶۴ش، ۹۹).

اساسی‌ترین اشکالی که به روایات ابوالفضل شیبانی وارد دانسته شده، جعل سند برای روایات غیر معتبر است. این اتهام چنان که پیش از این هم یاد کردیم، نخست از جانب دارقطنی (د ۳۸۵ق) بر ابوالفضل وارد شد. حکایت از این قرار بود که ابوالفضل روایتی دربارهٔ امکان احرام بستن برای حج در زمانی غیر از ماه ذی‌الحجه از قول شیخی به نام عمروی روایت کرده بود. وقتی دارقطنی اشکال گرفت که دو برادر به این اسم شناخته‌اند و پرسید ابوالفضل از کدام‌یک این حدیث را شنیده است. با توضیحات بعدی ابوالفضل کذب وی برای دارقطنی محرز گردید (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۳/ ۸۷).

ابن غضائری نیز که به طبقهٔ شاگردان ابوالفضل تعلق دارد ضمن یاد کرد وی در کتاب *الضعفاء* می‌گوید خود کتاب‌های ابوالفضل را دیده، و در آن‌ها اسانیدی بدون متون و متونی بدون اسانید یافته است (ابن غضائری، ۱۳۶۴ش، ۹۹)؛ بدین معنا که ابوالفضل اسانید و متونی گردآوری کرده بود تا به صلاح‌دید خود هر سندی را به روایتی ملحق سازد و وانمود کند آن روایات را با چنان سندی حاصل کرده است (برای تحلیلی دیگر، قس: مجلسی، ۱۴۱۴ق، ۸/ ۳۴۵).

## ۲. مطالعهٔ موردی سند خطبهٔ غدیر

اکنون باید پرسید آیا می‌توان با مرور روایات ابوالفضل نشانه‌هایی از یک چنین تلاشی برای جعل سند و متن پیدا کرد؟ از میان معاصران، انصاری دست‌کم یک نمونه برای چنین جعل سندی محتمل می‌داند. وی محتمل می‌داند روایاتی که در کتاب *دلائل الامامه* به نقل از محمد بن جریر طبری آمده، و اغلب تصور می‌شود منقولاتی از ابن رستم طبری عالم سدهٔ ۴ق است، احتمالاً بر ساختهٔ ابوالفضل شیبانی است؛ به این معنا که ابوالفضل با سندسازی این روایات را به محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰ق) صاحب *جامع البیان و تاریخ الامم والملوک* منسوب کرده است (نک: انصاری، ۱۳۹۳ش، سرتاسر اثر). اکنون می‌خواهیم با مطالعهٔ خطبهٔ غدیر، هم‌چون یکی دیگر از روایاتی که ابوالفضل در نقل‌شان متفرد است، شیوهٔ او را در نقل روایات بهتر بازشناسیم.

### الف) تحریرهای مختلف خطبه

در منابع متأخر امامیه روایتی از واقعهٔ غدیر خم ثبت شده است که بر پایهٔ آن، پیامبر اکرم

(ص) در روز غدیر خطبه مفصلی خواند، علی (ع) و فرزندان را امامان امت شناساند، و در نهایت از حاضران در غدیر خم خواست با علی (ع) به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر (ص) بیعت کنند. این روایت در منابع متعدد بازمانده از سده ۶ ق به بعد مانند *روضه الواعظین* قتال نیشابوری (۱۳۷۵ش، ۱/ ۸۹)، *الاحتجاج* طبرسی (۱۴۰۳ق، ۱/ ۵۵)، و *الیقین و التحصین* ابن طاووس (۱۴۱۳ق - ب، ۳۴۳؛ همو، ۱۴۱۳ق - الف، ۵۷۸) نقل شده است.

این روایت با دو سند متفاوت نقل شده است. یک سند همان است که محمد بن موسی همدانی آخرین حلقه مشترک دو نقل آن است (قس: طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱/ ۵۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۳ق - ب، ۳۴۳)؛ با این توضیح که راویان طبرسی و ابن طاووس تا پیش از محمد بن موسی همدانی متفاوت، ولی در حلقه‌های بعدی سند تا پیامبر اکرم (ص) مشترک اند. بر این اساس، باید محمد بن موسی همدانی را کسی بدانیم که روایت را منتشر کرده است (نک: شبیری، ۱۴۱۹ق، ۱۹۰). در این تحریر از خطبه غدیر که از آن پس آن را تحریر محمد بن موسی همدانی می‌نامیم، واقعه غدیر از قول امام باقر (ع) حکایت شده است.

تحریر دوم روایت آن است که ابوالفضل شیبانی به اسناد از محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰ق) و هارون بن عیسی بن سکین بلدی نقل می‌کند (برای متن آن، نک: ابن طاووس، ۱۴۱۳ق - الف، ۵۷۸؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ۱۶۹؛ بیاضی، ۱۳۸۴ق، ۱/ ۳۰۱). سند این روایت با تحریر محمد بن موسی همدانی کاملاً متفاوت است و در این تحریر، حکایت نه قول امام باقر (ع) که از قول زید بن ارقم (د ۶۸ق) صحابی ساکن کوفه نقل می‌شود که خود نیز در واقعه غدیر حضور داشته است.

تحریر محمد بن موسی همدانی و ابوالفضل شیبانی تنها در مقدمه و اسناد و توضیح شیوه اخذ بیعت برای علی (ع) تفاوت‌هایی دارند. صرف نظر از اختلافات جزئی و طبیعی حاصل از استنساخ، متن دیگر اجزاء دو تحریر کاملاً یک‌سان است (برای توجه به این همانندی، نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۱۸/ ۳۷؛ انصاری زنجانی، ۱۴۱۳ق، ۵۷۸).

### ب) راویان خطبه و ارتباط ابوالفضل با ایشان

در سخن از راویان این دو تحریر، نخست باید گفت محمد بن موسی همدانی متهم به غلو، جعل حدیث و جعل کتاب است (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۰۱). او در نقل روایاتی دیگر نیز متفرد است. از آن جمله، یکی روایت نماز غدیر است که شیخ طوسی (د ۴۶۰ق)

در *تهذیب الاحکام* آن را ذکر می‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۱۴۳-۱۴۷). ابن بابویه (د ۳۸۱ق) در اشاره به این روایت می‌گوید استادش ابن ولید آن را صحیح ندانسته، و نمونه‌ای از دروغ‌پردازی‌های محمد بن موسی همدانی شناسانده است. از همین رو ابن بابویه از نقل آن چشم‌پوشی می‌کند (نک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲/ ۹۰-۹۱).

ابوالفضل همین روایت را از طریق محمد بن جریر طبری و هارون بن عیسی بن سکین بلدی، و با اسناد به زید بن ارقم نقل کرده است. تحریر دیگری هم از خطبهٔ پیامبر (ص) در غدیر به روایت زید بن ارقم باقی است. ابن مغزلی (د ۴۸۳ق) در کتاب *مناقب علی بن ابی‌طالب* آن تحریر را به اسناد خویش از نوح بن قیس حدانی، از ولید بن صالح، از همسر زید بن ارقم، به نقل از خود زید آورده است (ابن مغزلی، ۱۳۸۴ش، ۳۴). اسناد ابن مغزلی با سند پیش‌گفتهٔ ابوالفضل شباهتی در راویان دارد: ابوالفضل شیبانی... ← نوح بن مبشر ← ولید بن صالح ← ابن امرأه زید بن ارقم ← زید بن ارقم (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق - الف، ۵۷۸).

شباهت دیگر دو تحریر در مقدمهٔ روایت خطبه است. مقدمه روایت در این دو تحریر مانند یکدیگر است و تفاوت‌ها ناچیز اند (نک: ابن مغزلی، ۱۳۸۴ش، ۳۴؛ ابن طاووس، ۱۴۱۳ق - الف، ۵۷۸). با آغاز خطبه این دو روایت بسیار متفاوت می‌شوند. روایت ابن مغزلی بسی مختصرتر و در حدود ۲ صفحه است. ابن مغزلی با عبارت «هذا آخر الخطبة» به پایان یافتن خطبه در همان دو صفحه تأکید می‌کند (ابن مغزلی، ۱۳۸۴ش، ۳۶). در برابر، خطبه در تحریر ابن طاووس حجمی حدود ۱۲ صفحه را دربر می‌گیرد و بسیار مفصل‌تر است.

#### پ) ارتباط تحریرهای مختلف خطبه با نقل طبری

اکنون باید پرسید آیا طبری صاحب *تاریخ* - آن‌چنان که ابوالفضل مدعی شده - راوی این خطبه است یا نه. جعفریان روایات بازمانده از کتاب *الولایة طبری* را - که گاه با نام *فضائل علی بن ابی‌طالب* (ع) نیز مشهور بوده - گردآوری و منتشر کرده، و عنوان این دو اثر را نیز با توجه به داده‌های کتاب‌شناختی دربارهٔ طبری برگزیده است. او محتمل می‌داند اثر منسوب به طبری با عنوان «رسالة فی طرق حدیث غدیر» نیز نامی دیگر برای همین اثر طبری باشد (جعفریان، ۱۳۷۹ش، ۱۰-۱۱).

شماری از عالمان مسلمان یا کتاب طبری را در اختیار داشته و از آن در کتاب‌های خود نقل

کرده‌اند، یا به طرق مختلفی به برخی از فقرات آن دست یافته‌اند. از میان ایشان، بیاضی (د ۸۷۷ق) روایت خطبه پیامبر اکرم (ص) را هم‌چون روایتی از کتاب *الولایة طبری* به نقل از زید بن ارقم در کتاب *الصراط المستقیم* خود نقل می‌کند (بیاضی، ۱۳۸۴ق، ۱/ ۳۰۱). با مرور این روایت آشکار می‌شود که متن آن مطابق با همان تحریر پیش‌گفته ابوالفضل از خطبه غدیر است. باین‌حال، به نظر می‌رسد این نقل نمی‌تواند برگرفته از کتاب طبری باشد. هم‌چنان‌که جعفریان نیز دریافته، بیاضی غالب نقل‌های خود از کتاب طبری را از ابن شهر آشوب (د ۵۸۸ق) و ابن طاووس برگرفته است (نک: جعفریان، ۱۳۷۹ش، ؟؟؟). با توجه به این که ابن شهر آشوب اساساً این خطبه را نقل نکرده، تنها احتمال پیش‌رو آن است که بیاضی در نقل این خطبه متکی به ابن طاووس باشد.

می‌دانیم ابن طاووس کتاب *الولایة طبری* را در اختیار داشته، و در موضعی از کتاب *الیقین* خود از آن روایاتی نقل کرده است (نک: ابن طاووس، ۱۴۱۳ق - ب، ۲۱۵-۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۴۷۷). چنان‌که عنوان کتاب *الیقین یا اختصاص مولانا علی (ع) بامرة المؤمنین* هم گویا ست، مؤلف آن ابن طاووس می‌خواسته است روایاتی را که بر تخصیص وصف «امیر المؤمنین» به علی (ع) دلالت می‌کنند گرد آورد. بر این اساس، انتظار می‌رود اگر ابن طاووس در کتاب *الولایة طبری* چنین خطبه‌ای بیابد هرگز در نقل آن ضمن کتاب خویش تردید نورد؛ خاصه با توجه به این که در این خطبه تعبیر «امیر المؤمنین» هم برای یادکرد علی (ع) از قول خود پیامبر اکرم (ص) روایت شده است (نک: ابن طاووس، ۱۴۱۳ق - الف، ۵۸۳-۵۸۴ «معاشر الناس، هذا علی أخی... وأمیر المؤمنین»).

ابن طاووس در کتاب *الیقین* خود خطبه مذکور را نقل نمی‌کند؛ با این وجود در کتاب دیگر خود یعنی *التحصین* همین خطبه را به نقل از ابوالفضل شیبانی - نه به نقل از طبری و کتابش - می‌آورد (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق - الف، ۵۷۸). می‌دانیم ابن طاووس کتاب *التحصین* را بعد از کتاب *الیقین* تألیف نموده است. او خود در مقدمه کتاب *التحصین* می‌گوید بعد از تألیف کتاب *الیقین* حدود ۵۰ حدیث یافته که مضمون آنها شبیه احادیث کتاب *الیقین* بوده، و از منابعی غیر از مراجع این کتاب به دستش رسیده است (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق - الف، ۵۳۲). اگر در خاطر داشته باشیم که ابن طاووس در هنگام تألیف کتاب *الیقین* به کتاب *الولایة طبری* دسترسی داشته، این سخن وی بدان معنا ست که خطبه غدیر در کتاب *الولایة طبری* وجود نداشته است.

افزون بر این، می‌دانیم قاضی نعمان (د ۳۶۳ق) فقیه و محدث زیدی نیز، کتاب *الولایة طبری* را در اختیار داشته، و از آن نقل کرده است. وی نسبت به دیگران بیش‌ترین حجم روایات را از کتاب طبری در اثر خود گنجانده است (برای نمونه، نک: قاضی نعمان، ۱۴۱۴ق، ۱/ ۱۱۶، ۱۳۷، ۱۴۹). در نقل‌های قاضی نعمان از کتاب *الولایة* نیز خبری از خطبه مذکور به میان نمی‌آید. باین‌حال، قاضی نعمان روایت خطبه غدیر را به طبری منتسب داشته، عباراتی منقول از وی را در همین‌باره ذکر نموده، و بعد، از طبری انتقاد کرده، و شگفتی خود را هم ابراز داشته است که چرا طبری با آن که خود راوی چنین خطبه‌ای است از مذهب عامه پیروی می‌کند (همان، ۱/ ۱۲۸-۱۳۶).

#### ت) مقایسهٔ تحریرهای طبری و ابوالفضل

اکنون باید افزود در منابع مختلفی به روایت طبری دربارهٔ غدیر به اسناد زید بن ارقم اشاره شده است. تنها ذهبی (د ۷۴۸ق) به ۱۰ طریق طبری به روایت زید بن ارقم در خصوص غدیر اشاره می‌کند (نک: ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۵/ ۲۲۹، ۲۳۱؛ نیز نک: طباطبایی، ۱۳۸۴ش، ۶۶-۷۴). اسنادی که طبری برای روایات زید بن ارقم دربارهٔ رویداد غدیر باز نموده، با سندی که ابوالفضل ادعا می‌کند به کلی متفاوت است و هیچ یک از راویان آن دو اسناد مشترک نیست. به بیان دیگر، طرق مختلف طبری به روایت غدیر زید بن ارقم شناخته و مشخص است و هیچ یک از آنها با طریقی که ابوالفضل به طبری اسناد می‌دهد شباهتی ندارد. از این بحث‌ها روشن می‌شود طبری، بر خلاف ادعای ابوالفضل، این روایت را نقل نکرده است.

چنان‌که پیش از این هم گفتیم، روایت همدانی و ابوالفضل تفاوت‌هایی جزئی دارند و تحریرهای مختلف از یک متن اند. اگر بپذیریم تحریر ابوالفضل هیچ ارتباطی با محمد بن جریر طبری ندارد، این پرسش جدی خواهد شد که از دو تحریر فوق که یکی را همدانی به امام باقر (ع) و دیگری را طبری به زید بن ارقم نسبت کرده، کدام اصیل است. در مقام قضاوت، به نظر می‌رسد متن اصلی همان است که همدانی روایت می‌کند؛ زیرا در متن روایت ابوالفضل تصرفات و تلخیص‌هایی دیده می‌شود که نشان می‌دهد متن اصلی کوتاه شده، و تغییراتی یافته است.

می‌دانیم همدانی در وضع و جعل متن حدیث دست داشته (نک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲/ ۹۰-۹۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۰۱)، و ابوالفضل نیز، چنان‌که یاد کردیم، بیش‌تر

به جعل سند متهم بوده است. اکنون برپایهٔ مجموع آنچه گفته شد باید نتیجه گرفت به احتمال بسیار، ابوالفضل روایت همدانی را با سندی جعلی ارائه داده است تا سند نامعتبر همدانی را ترمیم کرده باشد. نیز، وی بخش آغازین خطبه را تغییر داده، و آن را مانند خطبهٔ زید بن ارقم که ابن مغزلی نقل کرده درآورده است.

### ۳. عوامل مؤثر بر رویکرد ابوالفضل

به نظر می‌رسد باید علل کوشش‌های ابوالفضل برای جعل سند یا دخل و تصرف در محتوای روایات را در منازعات مذهبی عصر وی پی‌جویی کرد؛ به این معنا که ابوالفضل با هدف دفاع از امامیه و با احساس مسئولیت نسبت به پاسخ‌گویی مستندات روایی مخالفان به نقل روایت و احیاناً ترکیب متون و اسناد روی آورده است. به طور خاص می‌توان از سه جریان مخالف امامیه یاد کرد که ابوالفضل احتمالاً به مقابلهٔ فکری با آن‌ها پرداخته است.

#### الف) محدثان عامهٔ مسلمانان

یکی از جریان‌های فکری مقابل شیعیان در عصر ابوالفضل اصحاب حدیث بودند (دربارهٔ ایشان، نک: پاکتچی، ۱۳۷۹ش، ۱۱۳؛ نیز، برای پیوند ابوالفضل با حلقه‌های اصحاب حدیث از عامهٔ مسلمانان، نک: ذاکری، ۱۳۹۸ش، ۴۸-۵۴). عالمان این جریان فکری در دوران حیات ابوالفضل و پیش از آن روایاتی از امام علی (ع) در تفضیل شیخین یا ترتیب فضیلت صحابه با ترتیب خلفا نقل می‌کردند (برای مجموعه‌ای از روایت‌های ایشان در این باره، نک: کتانی، ۱۹۰). برپایهٔ آنچه در برخی متون شیعی آمده است، حتی اینان از قول علی (ع) روایت می‌کردند که خود می‌گفت اگر بشنود کسی وی را برتر از ابوبکر شناسانده است، بر او حد تهمت جاری خواهد کرد (خزاز، ۱۴۰۱ق، ۳۱۲؛ نیز برای نقد عالمان شیعی متأخر بر این روایت، نک: شوشتری، نورالله، ۱۳۶۷ش، ۲۶۰، احمدی، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۹۴).

چنین روایاتی از نگاه اصحاب حدیث می‌توانست همهٔ اختلاف‌ها دربارهٔ جانشینی پیامبر اکرم (ص) را به سود عامهٔ مسلمانان پایان بخشد. به طبع می‌توان انتظار داشت شخصیتی همچون ابوالفضل در این فضا تصمیم بگیرد از بزرگان عامهٔ مسلمانان روایاتی در تأیید باورهای کلامی امامیه نقل کند. باید در نظر داشت که وقتی هریک از طرف‌های منازعه روایاتی از این دست و

در تأیید باورهای مذهبی خود در اختیار داشته باشند، غلبه با پیروان جریان‌های خواهد بود که شمار بیشتری از چنین روایاتی به نفع مذهب خود نقل کنند. وجود چنین رویکردی در میان اصحاب حدیث را می‌توان از شواهد متعددی دریافت. از جمله این شواهد، گفتار خزاز عالم شیعی سده ۴ق و از شاگردان ابوالفضل است؛ آن‌جا که در مقام مقایسه اخبار منقول از شیخین بر فضیلت علی (ع) با اخباری که از قول علی (ع) در فضیلت شیخین روایت شده است، به کثرت روایات دسته دوم در قیاس با دسته نخست استناد می‌کند (خزاز، ۱۴۰۱ق، ۳۱۲).

مروری بر روایات منقول از ابوالفضل در این زمینه به‌وضوح نشان می‌دهد ابوالفضل چنین دغدغه‌ای داشته، و فراوان مؤیدات امامت ۱۲ امام شیعه را به نقل از بزرگان عامه مسلمانان روایت کرده است. این قبیل روایات وی را در آثار شاگردانش از جمله خزاز می‌توان باز یافت. برای نمونه، ابوالفضل روایت ۱۲ امام منقول از عائشه را به ۶ طریق متفاوت نقل می‌کند (نک: همان، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱)؛ حال آن‌که کسی غیر از او حتی یک روایت از عائشه در این زمینه نقل نکرده است. از همین قبیل است روایات منقول از وی از بزرگان عامه مسلمانان در نام‌بری از امامان دوازده‌گانه (نک: همان، ۲۳، ۶۸، ۷۹، ۹۰، ۹۶، ۱۳۲؛ نیز برای روایات شیعی در این باره، نک: زینلی، ۱۳۷۷ش، ۸۱-۱۱۷؛ همو، ۱۳۸۸ش، ۱۰۵-۱۱۴).

### ب) زیدیه

همین رویکرد را می‌توان در تقابل ابوالفضل با جریان‌های حدیثی زیدیه نیز نمایان دید. چنان‌که گزارش خزاز در *کفایة الاثر* آورده است، زیدیه نیز در منازعاتشان با امامیه و در تقویت مذهب خود به روایاتی از امام صادق (ع) استناد می‌کردند که بر پایه آن‌ها امام خود را از پیروان زید معرفی می‌کرد (خزاز، ۱۴۰۱ق، ۳۱۱). ظاهراً در همین فضای فرهنگی، و در تقابل با همین جریان‌ها است که ابوالفضل روایاتی از زید بن علی (د ح ۱۲۰ق) و یحیی بن زید (د ۱۲۵ق) را در تأیید باورهای مذهبی امامیه با تکیه بر ۱۲ امام نقل کرده است (خزاز، ۱۴۰۱ق، ۳۰۲؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ۶/۱۳۳)؛ روایاتی که ظاهراً وی در نقل‌شان متفرد است.

نمونه دیگر از این قبیل، مقدمه *صحیفه سجادیه کامله* به روایت ابوالفضل شیبانی است. در این مقدمه تصریح می‌شود یحیی بن زید عموزاده خود امام صادق (ع) را عالم‌تر از خود می‌نمایاند: «هم أعلم أم أتمم؟... قال: کلنا له علم غیر أنهم یعلمون کلما نعلم ولا نعلم کلما یعلمون» (صحیفه

سجاده کامله، ۱۳۶۳ش، مقدمه). این روایت را نیز می‌توان کوششی تلقی کرد برای بازنمودن این که مراتب فضل امامان شیعه (ع) به تأیید بزرگان زیدیه هم رسیده است (قس: پاکتچی، ۱۳۷۳ش، ۲۷۹ که بر پایه شواهدی جارودی بودن ابوالفضل را محتمل میداند؛ فرقه‌های از زیدیه که گرایشی آشکار به باورهای امامی داشتند؛ نک: تاره، ۱۳۸۸ش، ۲۶۳).

نمونه دیگر از تغییر محتوا بر اساس منازعات مذهبی در روایات ابوالفضل روایتی است که برای اولین بار در یک منبع زیدی یعنی تفسیر فرات کوفی (د ۳۰۷ق) نقل شده است. این روایت بیماری پیامبر (ص) و روزهای منتهی به درگذشت آن حضرت را گزارش می‌کند. بر پایه آن، سلمان به حضور پیامبر (ص) رسید و چون اجازه رفتن خواست، پیامبر (ص) فرمودند بنشیند و شاهد رویداد مهمی باشد. در ادامه روایت گفته می‌شود فاطمه (ع) هم سررسید و پیامبر (ص) را که در آن حال دید گریست. سپس پیامبر (ص) بشارت‌هایی به فاطمه (ع) خاصه درباره علی (ع) دادند که سرور فاطمه (ع) را در پی داشت (فرات، ۱۴۱۰ق، ۴۶۴). روایت فرات کوفی به آیاتی از قرآن درباره فضیلت پیامبر و امام علی (ع) نیز اشاره دارد. فرات کوفی این روایت را از عبید بن کثیر — صحابی امام زین‌العابدین و امام باقر (ع) که مشایخ امامیه او را متهم به جعل حدیث کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۳۴) — نقل کرده است. ابوالفضل همین متن را البته با سندی متفاوت روایت می‌کند (نک: ابوالفضل، ۱۴۱۴ق، ۶۰۶).

این روایت پیش از ابوالفضل تنها در تفسیر فرات کوفی نقل شده است. متن، الفاظ و ساختار گزارش در هر دو روایت شباهت‌های بسیاری با یکدیگر دارد. می‌توان گفت این دو ریشه در متنی یکسان داشته‌اند. نقل ابوالفضل از این روایت اضافاتی نسبت به نقل فرات کوفی دارد. در نقل ابوالفضل آنچه در انتهای روایت فرات کوفی آمده، و نیز برخی از آیات قرآن اندکی تغییر کرده، و پس از ذکر فضیلت پیامبر و امام علی (ع)، به یادکرد اهل بیت پیامبر، امام حسن و امام حسین، و در نهایت به یادکرد مهدی (ع) که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پرداخته شده است.

درباره این روایت اطلاعات کامل و کافی در دست نیست. نمی‌دانیم صورت صحیح این روایت همانی است که فرات کوفی — اولین منبع موجود — نقل کرده، یا آن که ابوالفضل نقل کرده، و بخش‌هایی از آن در تحریر فرات مشاهده نمی‌شود. در نهایت، به‌دور از انتظار نیست که ابوالفضل روایت فرات کوفی را دارای گرایش‌هایی به سود زیدیه می‌دیده، و در واکنش به آن، بخش‌های



پایانی روایت را با دخل و تصرف نقل کرده، و برای آن سندی دیگر بازنموده است.

### پ) شیعیان عباسی

از اواخر سده ۲ق جریان‌هایی در میان شیعیان شکل گرفتند که به نظام امامت بعد از پیامبر (ص) اعتقاد داشتند. آن‌ها بر این باور بودند که بعد از پیامبر (ص) امامت حق عباس عموی ایشان بود که غضب شد. نیز، معتقد بودند علی (ع) به اجازه عباس امامت یافت؛ اما این حق از وی ستانده شد، تا این که بعد از تلاش‌های بسیار با به خلافت رسیدن سجاح (د ۱۳۶ق)، اولین خلیفه عباسی، امامت به جایگاه اصلی خود بازگشت (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ۳/ ۲۳۶). از جمله جریان‌های شیعی با این طرز فکر، می‌توان راوندیه را یاد کرد (دربارۀ آن‌ها، نک: عودی، ۱۳۹۳ش، ۳۰۹). راوندیه برای تثبیت اعتقادات خود آثاری نوشته‌اند که از جمله آن‌ها کتاب‌های هشام بن ابراهیم عباسی، عالم هم‌عصر امام رضا (ع)، از جمله آیات امامة العباس شایان ذکر است (نک: کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۰۱-۵۰۲).

تا پیش از آغاز فعالیت‌هایی پنهانی عباسیان برای کنار نهادن خلافت امویان ردی از این قبیل جریان‌های فکری نمی‌توان یافت (نک: الله‌اکبری، ۱۳۸۱ش، ۱۱-۳۰). تألیفات شیعیان عباسی در دفاع از اندیشه‌های خود نیز چنان که گذشت به دوره‌ای متأخرتر از عصر شکل‌گیری حکومت عباسیان مربوط می‌شود. اگرچه سرآغاز این جریان‌های فکری شناخته نیست، کم‌تر می‌توان تردید کرد که در دوره حیات ابوالفضل (۲۹۷-۳۸۷ق) راوندیه و دیگر جریان‌های مشابه تشیع عباسی به حیات خود ادامه می‌دادند؛ چه، نمونه‌های روشنی حاکی از وجود منازعات میان شیعیان امامی و عباسی را می‌توان در روایات ابوالفضل بازشناخت.

مضمون چندین روایت از ابوالفضل که به رویدادهای مختلف در زمان زندگانی پیامبر (ص) مربوط می‌شود برتری علی (ع) بر عباس یا حقانیت علی (ع) در جانشینی و وصایت پیامبر (ص) است (نک: ابوالفضل، ۱۴۱۴ق، ۵۷۲، ۵۷۴؛ نیز نک: مظفر بن جعفر، ۱۴۳۲ق، ۸۳-۸۵، ۸۵-۸۷). ابوالفضل در نقل این روایات متفرد است و هیچ کدام از این دست روایات وی را دیگری نقل نکرده است. می‌توان محتمل دانست که این دست روایات ابوالفضل نتیجه کوشش‌های او در مقام مقابله با روایات راوندیه یا دیگر شیعیان عباسی بوده‌اند.

## نتیجه

چنان‌که دیدیم، ابوالفضل کوشیده است با نقل روایات تاریخ اهل بیت (ع) باورهای اعتقادی امامیه درباره امامان دوازده‌گانه (ع) را تبیین، و از این باورها در برابر جریان‌های رقیب دفاع کند. دیدیم تأثیر منازعات مذهبی در این قبیل روایات تاریخی ابوالفضل انکارناشدنی است. او خود را وفادار به باورهای اعتقادی امامیه می‌داند؛ اما در جایگاه محدثی که نزد مشایخ بسیاری وابسته به جریان‌های فکری مختلف شاگردی کرده، و با روش‌های آن‌ها آشنایی یافته، به مقابله با اندیشه‌های مخالف امامیه پرداخته است. او دریافته است برخی از این جریان‌ها به روایاتی مجعول در رد باورهای امامیه استناد می‌کنند. از همین رو، گاه به مقابله به‌مثل پرداخته، و اخباری در مقام مقابله با این جریان‌های فکری روایت نموده است. این کوشش وی در برخی موارد نیز به جعل سند، و گاه نیز به دخل و تصرف در محتوای روایات انجامیده است. با این وصف، حتی در شماری از این گونه از روایات — هم‌چون روایاتی که درباره امامان ۱۲گانه نقل کرده است — نیز، بن‌مایه‌های اعتقادات شیعه امامی دیده می‌شوند؛ امری که سبب می‌شود احتمال وابستگی وی به جریان اصلی امامیه بیش از هر جریان فکری دیگری در آن عصر تقویت شود. نکته آخر این که به نظر می‌رسد ابوالفضل جز آن‌که گاه روایت‌ها را به شخصیت‌هایی از جریان‌های رقیب نسبت می‌دهد، اغلب تصرفی در محتوای آن‌ها ندارد.

## منابع

- ١- ابن بابویه، محمد بن علی (١٤١٣ق)، *من لایحضره الفقیه*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ٢- ابن حمزه، عبدالله (١٤٢٩ق)، *الشافعی*، به کوشش مجدالدین مؤیدی، صعده، مکتبه اهل البیت.
- ٣- ابن شاذان، محمد بن احمد (١٤٠٧ق)، *مائه منقبه*، قم، مدرسه امام مهدی (ع).
- ٤- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (١٣٧٩ق)، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
- ٥- ابن طاووس، علی بن موسی (١٣٧٦ش)، *الاقبال*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ٦- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - الف)، *التحصین*، به کوشش اسماعیل انصاری زنجانی، قم، دارالکتاب.
- ٧- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ب)، *الیقین*، به کوشش اسماعیل انصاری زنجانی، قم، دارالکتاب.
- ٨- ابن عساکر، علی بن حسن (١٤١٥ق)، *تاریخ دمشق*، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- ٩- ابن غضائری، حسین بن عبید الله (١٣٦٤ش)، *الرجال*، به کوشش محمد رضا حسینی جلالی، قم، دارالحدیث.
- ١٠- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (١٤٠٨ق)، *البدایة و النهایة*، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ١١- ابن مغزلی، علی بن محمد (١٣٨٤ش)، *مناقب علی بن ابی طالب*، قم، سبط النبی.
- ١٢- ابوصالح دیلمی (بی تا)، *هدایة المسترشد و سراج الموحّد*، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، بیروت، دار لاجل المعرفة.
- ١٣- ابوالفضل شیبانی، محمد بن عبدالله (١٤١٤ق)، *الامالی*، ضمن *امالی شیخ طوسی* (نک: همین منبع).

- ۱۴- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۶ق)، *مواقف الشیعه*، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۵- الله اکبری، محمد (۱۳۸۱ش)، «روابط علویان و عباسیان»، *تاریخ در آینه پژوهش*، سال اول، شماره ۱.
- ۱۶- انصاری، حسن (۱۳۸۱ش)، «روایاتی تازه از ابن عقده و معرفی کتابی درباره ابوحنیفه»، *کتاب ماه دین*، سال پانزدهم، شماره ۶۰-۶۱.
- ۱۷- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳ش)، «متن شیعی مجعول و منسوب به محمد بن جریر طبری»، *وبلاگ مؤلف در حلقه کاتبان*<sup>۱</sup>، دسترسی در ۲۹/۱۰/۱۳۹۸ش.
- ۱۸- انصاری زنجانی، اسماعیل (۱۴۱۳ق)، *پاورقی بر التحصین لأسرار مازاد من کتاب الیقین*، قم، دارالکتاب.
- ۱۹- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۳ق)، *مدینه المعجز*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- ۲۰- بیاضی، علی بن محمد (۱۳۸۴ق)، *الصراط المستقیم*، به کوشش رمضان میخائیل، نجف، المكتبة الحیدریة.
- ۲۱- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۰ق)، *شعب الایمان*، به کوشش محمد سعید بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۲۲- پاکتچی، احمد (۱۳۷۳ش)، «ابوالفضل شیبانی»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، جلد ششم، تهران، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۳- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹ش)، «اصحاب حدیث»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، جلد نهم، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۴- تاره، مسعود (۱۳۸۸ش)، «جارودیه»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، جلد هفدهم، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۵- جعفریان، رسول (۱۳۷۹ش)، *بخش های برجای مانده کتاب فضائل علی بن ابی طالب و کتاب الولایة*، قم، دلیل ما.
- ۲۶- حاجی زاده، یدالله و دیگران (۱۳۹۲ش)، «ریشه ها و علل پیدایش غلو در عصر ائمه (ع)»،

1. <http://ansari.kateban.com/post/2166>

- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۱۲.
- ۲۷- حسکانی، عبید الله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل*، به کوشش محمدباقر محمودی، تهران، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
- ۲۸- حلی، علی بن یوسف (۱۴۰۸ق)، *العُدَد القویة*، به کوشش مهدی رجایی، قم، کتابخانه مرعشی.
- ۲۹- خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الاثر*، به کوشش عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، نشر بیدار.
- ۳۰- خصیبی، حسین بن حمدان (۲۰۰۷م)، *الهدایة الکبری*، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، دیار عقل، دار لأجل المعرفة.
- ۳۱- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳۲- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)، *موضح اوهام الجمع و التفریق*، به کوشش عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، دارالمعرفة.
- ۳۳- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۱ق)، *المناقب*، به کوشش مالک محمودی، قم، جامعه مدرسین.
- ۳۴- دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۰۴ق)، *سؤالات حمزة*، به کوشش موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، ریاض، مکتبة المعارف.
- ۳۵- ذاکری، محمدتقی (۱۳۹۸ش)، *نقش ابوالفضل شیبانی در روایات تاریخ اهل بیت (ع)*، رساله دکتری علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه.
- ۳۶- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۸ق)، *المغنی فی الضعفاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳۷- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲ق)، *میزان الاعتدال*، بیروت، دارالمعرفة.
- ۳۸- رحمتی، محمدکاظم (۱۳۸۴ش)، «حسین بن حمدان خصیبی و اهمیت وی در تکوین نصیریه»، *هفت آسمان*، شماره ۳۰.

- ۳۹- زینلی، غلامحسین (۱۳۸۸ش)، «امامت امامان در صحاح عامه مسلمانان»، *کلام اسلامی*، شماره ۵۲.
- ۴۰- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷ش)، «دوازده امام در منابع عامه مسلمانان»، *علوم حدیث*، شماره ۸.
- ۴۱- سیاغی، حسین بن احمد (بی تا)، *الروض النضیر*، بیروت، دارالجمیل.
- ۴۲- شبیری، محمدجواد (۱۴۱۹ق)، «الکاتب النعمانی و کتاب الغیبه»، *علوم حدیث*، شماره ۳.
- ۴۳- شجری، یحیی بن حسین (۱۴۲۹ق)، *الامالی الاثنینیة*، به کوشش عبدالله بن حمود عزى، صعده، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیه.
- ۴۴- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق)، *الامالی الخمیسیه*، بیروت، عالم الکتب.
- ۴۵- شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین (۱۳۶۷ش)، *الصوارم المهرقة*، به کوشش جلال‌الدین محدث، تهران، چاپخانه نهضت.
- ۴۶- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، به کوشش مؤسسه بعثت، قم، دارالثقافة.
- ۴۷- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)، *التهذیب*، به کوشش حسن موسوی خراسان، تهران، اسلامیة.
- ۴۸- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق)، *الفهرست*، به کوشش عبدالعزیز طباطبایی، قم، کتابخانه طباطبایی.
- ۴۹- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۴ش - الف)، «حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایة الکبری»، *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*، شماره ۱۶.
- ۵۰- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴ش - ب)، «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامة»، *علوم حدیث*، شماره ۳۷-۳۸.
- ۵۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ش)، «اعتبارسنجی آموزه باییت امامان در عصر حضور تا پایان غیبت صغری»، *تاریخ اسلام*، شماره ۷۲.
- ۵۲- صوری، محمد بن علی (۱۴۰۷ق)، *الفوائد المنتقاة*، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۵۳- *صحیفة سجادیة كاملة* (۱۳۶۳ش)، چاپ سنگی، به خط عبدالرحیم افشاری زنجانی، افسست قم، جامعه مدرسین.

- ٥٤- طباطبائي، عبدالعزيز (١٣٨٤ش)، حاشيه بر رساله طرق حديث من كنت مولاه ذهبي، قم، دليل ما.
- ٥٥- طبراني، ميمون (بي تا)، كتاب الجواهر، المناظرات و الردود، سلسلة التراث العلوي، جلد يازدهم، به كوشش ابوموسى و شيخ موسى، لبنان، دار لأجل المعرفة.
- ٥٦- طبرسى، احمد بن على (١٤٠٣ق)، الاحتجاج، به كوشش محمداقر خراسان، مشهد، مرتضى.
- ٥٧- عمادالدين طبرى، محمد بن على (١٣٨٣ق)، بشاره المصطفى، نجف، المكتبة الحيدرية.
- ٥٨- منتجب الدين رازى، على بن عبيد الله (١٤٠٨ق)، الاربعون حديثا، قم، مدرسة امام مهدى (ع).
- ٥٩- مؤلف ناشناخته (١٤١٣ق)، دلائل الامامه، قم، بعثت.
- ٦٠- عودى، ستار (١٣٩٣ش)، «راونديه»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ١٩، تهران، بنياد دائرة المعارف اسلامى.
- ٦١- غلام على، احمد (١٣٩٢ش)، «اعتبارسنجى الصحيفه السجادية»، علوم حديث، سال هجدهم، شماره سوم.
- ٦٢- فتال نيشابورى، محمد بن احمد (١٣٧٥ش)، روضة الواعظين، قم، شريف رضى.
- ٦٣- فرات بن ابراهيم كوفى (١٤١٠ق)، التفسير، به كوشش كاظم محمد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- ٦٤- قاضى نعمان مغربى (١٤١٤ق)، شرح الاخبار فى فضائل الأئمة الأطهار، به كوشش سيد محمد حسينى جلالى، قم، جامعه مدرسین.
- ٦٥- قاسمى، عبدالله بن هادى (١٣٧٥ق)، الجداول الصغرى: مختصر الطبقات الكبرى، عمان، مؤسسة الامام زيد بن على الثقافيه.
- ٦٦- قاضى قضاى، محمد بن سلامة (١٤٠٥ق)، مسند الشهاب، به كوشش حمدى عبدالمجيد سلفى، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- ٦٧- كتانى، محمد بن جعفر (بي تا)، نظم المتناثر من حديث المتواتر، قاهره، دارالكتب السلفية.

- ۶۸- کراچکی، محمد بن علی (۱۴۲۷ق)، *الرسالة العلویة*، به کوشش عبدالعزیز کریمی، قم، دلیل ما.
- ۶۹- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، به کوشش نعمة عبدالله، قم، دارالذخائر.
- ۷۰- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *معرفة الرجال*، اختیار شیخ طوسی، مشهد، دانشگاه مشهد.
- ۷۱- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۷۲- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۱۴ق)، *لوامع صاحبقرانی*، قم، اسماعیلیان.
- ۷۳- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۷ق)، *الاربعون حدیثا*، قم، نشر مدرسه امام مهدی.
- ۷۴- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب*، به کوشش اسعد داغر، قم، دارالهجرة.
- ۷۵- مظفر بن جعفر (۱۴۳۲ق)، *الرسالة الموضحة*، تصحیح ثامر کاظم خفاجی، قم، کتابخانه مرعشی.
- ۷۶- موسوی نژاد، علی (۱۳۸۱ش)، «کتابهای حدیثی منتشر شده از زیدیه»، *علوم حدیث*، شماره ۲۵.
- ۷۷- مهروش، فرهنگ (۱۳۸۲ش)، *هویت و انتساب صحیفه سجادیه با تکیه بر شاخصه‌های متن*، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع).
- ۷۸- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *الرجال*، قم، جامعه مدرسین.
- 79- Hassan Ansari (2017), *L'Imamat et l'Occultation Selon l'Imamisme*, Leiden, Briil.